

مسائل کهنه

مفاری باستان شناسانه در عربستان سعودی

• نوشته: ژرار دوژرژ Gerard Degeorge

• ترجمه: دکتر حبیب الله آیت اللهی



به استثنای عربستان جنوبی که به اصطلاح یونانیان باستان عربستان گربه‌یی (به شکل گربه) گفته می‌شد و امروزه آنرا یمن می‌گویند، و در آنجا پیوسته جستجوهای کاوشگرانه در قلمرو باستان‌شناسی و شناخت تاریخ هنر و تمدن آنجا، انجام گرفته است؛ در سایر نواحی عربستان کاوشهای باستان‌شناسانه و هکتیبه نگارانه (pigraphique) منظم و اسلوبی انجام نگرفته است؛ و تاریخ کهن شبه جزیره عربستان، تا زمان حال حتی، خوب شناخته نشده است. تنها چند سال پیش یک طرح زمان شناسانه یا «گاه شناختی» برای ادوار تاریخی آن تنظیم شده بود.

با وجود این، عربستان برای گذشتگان دور دست فرارعب شناخته شده و آشنا بوده است. «عربی» (Aribi) یعنی عربها از سده هشتم پیش از مسیح (علیه السلام) در نوشته‌های میخی آشوری‌ها وارد شده است. جغرافی‌دانها و تاریخ شناسان باستان: استرابون Strabon، دیودور دوسیل Diodore de sicile، بتلمیوس toleme، فلاویوس ژوزف Flavius Josephe، و دیگران، بارها از آن سخن گفته‌اند. هرودوت Herodote که عربستان را «آخرین سرزمین مسکونی جنوبی» نامیده است، از گوسفندان، عطرها، مارها، آداب و پوشش آن نواحی و خدایانی را که می‌پرستیدند سخن گفته است.

حدود سده نخست پیش از مسیح که رومی‌ها مایل بودند راههای تجاری خاورمیانه را بازرسی کند، با ضمیمه کردن عربستان به حکومت

مصر، ده هزار نفر را به فرماندهی ائلیوس گالوس (غالوس قالوس عربی؟) Iulius Galus به آنجا گسیل داشتند. سپاهیان رومی در شنبای روان بیابان فرو رفتند: درحالی که مورد شبیخون اعراب قرار می‌گرفتند، از گرما و تشنگی نیز رنج می‌بردند و بازماندگان آنها عقب‌نشینی کنان به سوی دریای سرخ سرازیر می‌شدند.

در مورد سرچشمه‌های اعراب «سده‌های میانه» باید توجه زیادی به اعراب دوران جاهلیت پیش از اسلام نمود. سرزمین زادگاه پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم)، سرزمین مقدس به تمام معنی، هدف نهایی یک زیارت همگانی مسلمانان که بدون در نظر گرفتن گرایش‌های فرقه‌یی، همه باید حداقل یک بار در طول زندگی و به شرط داشتن توان آن، بایستی انجام گیرد، و سرزمینی که همه مسلمانان جهان پنج بار در روز به سوی آن نماز می‌گذارند، در متون تاریخی خوب جای گرفته است. همدانی، استخری و طبری، از نخستین تاریخ نویسان اسلامند که به دوران‌های باستان و اعراب اهمیت زیادی داده‌اند. لیکن، از محتوای سخن آنان، افسانه‌ها و اسطوره‌ها شدیداً برخوردار است. تدوین عصر اسلامی به عنوان «عصر طلایی» در ارتباط با دوره‌های پیش از اسلام که «عصر جاهلیت» نامیده شده است، برتری می‌دارد. در سده‌های میانه، چند نفر بازرگان و دریانورد غربی توانستند کمی به داخل عربستان نفوذ کنند و نظریات مغایری که اغلب به نیازهای

اقتصادی آنان بستگی داشت بیان کنند. اما، فقط در سال ۱۸۱۹ بود که یک اروپایی، یک سرهنگ انگلیسی، ژرژ سادلیر George Sadlier که اجباراً برای انجام یک مأموریت سیاسی از خلیج فارس تا دریای سرخ را پیمود و این نخستین «عبور کامل» از فراسوی عربستان بود.

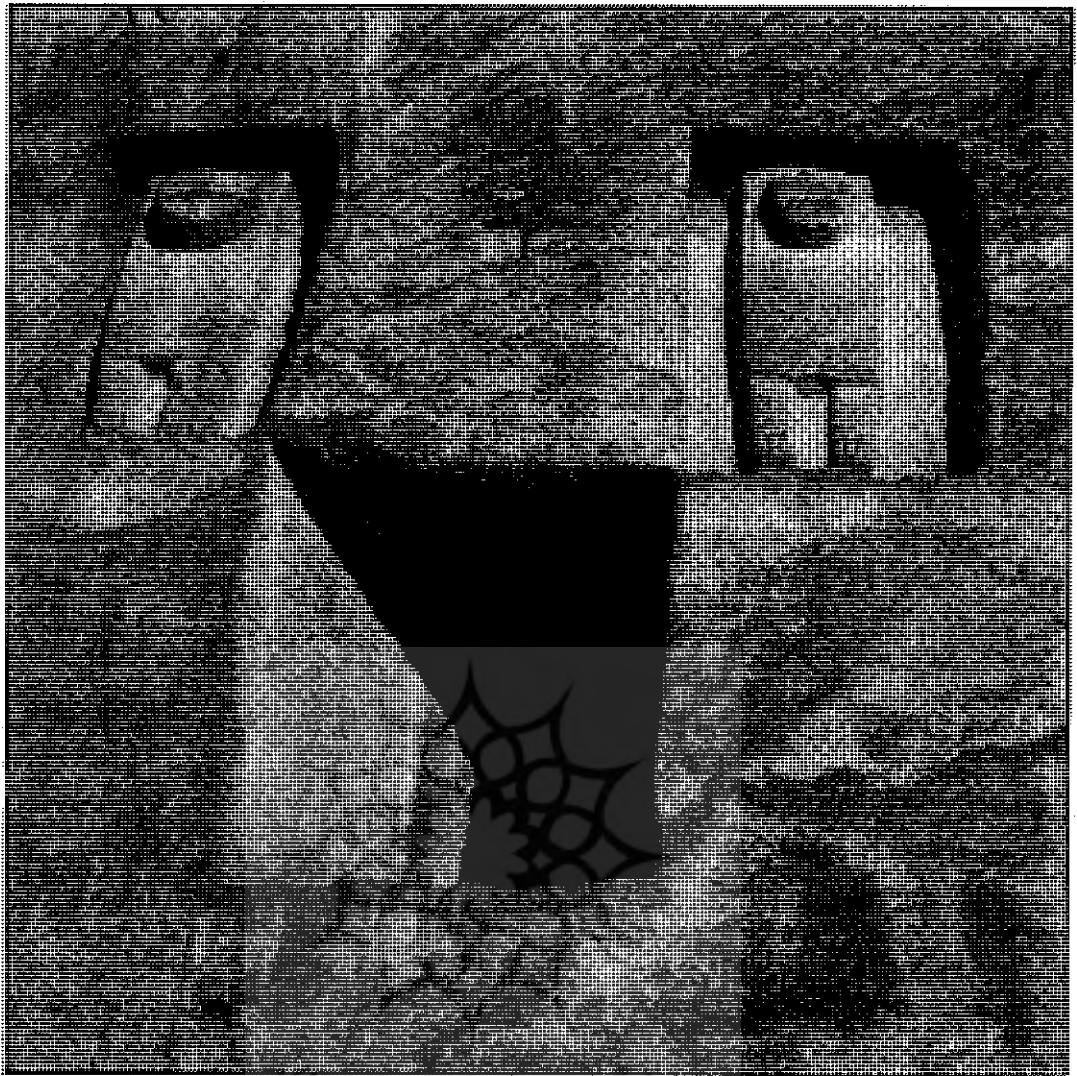
در مورد کاوشهای باستان شناسانه پراکنده، باید تا آغاز سده بیستم انتظار کشید. بویژه در سالهای ۱۹۰۷ - ۱۹۱۰ ژوسن کشیش (Jaussen) و ساوینیاک کشیش (Savignac) از مدرسه مذهبی بیت اللحم (۱) و سپس در سال ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷، فیلد Field، گروههای کاوشگرانه را به عربستان اعزام داشتند. با توجه به نقل قولهای برخی از مسافران (هوکارت Hogarth در ۱۹۰۴ و کیزیان Kiernan در ۱۹۳۷، برای مثال و دیگران)، این گروههای کاوشگر توانستند اطلاعات شایان توجهی در مورد تاریخ عربستان به دست آورند. لیکن این آگاهیها محدود بود و آن اندازه نبود که بتوان به یاری آن یک محدوده کوچک زمان بندی شده از تاریخ عربستان تنظیم کرد.

در ۱۹۷۶، «دایره آثار باستانی و موزه‌ها» با همکاری دانشگاه‌های انگلیسی و آمریکایی یک برنامه وسیع پنج ساله برای تهیه فهرستی از مجموعه آثار باستانی قلمرو پادشاهی عربی

سعودی طراحی نمود. یک برنامه ویژه برای بررسی «درب زبیده» تهیه گردید. «درب زبیده» (Darbzubayda) راه و مسیر کاروان رویی است که کوفه در بین‌النهرین را از فراسوی صحرای نیفود (Nifud) به مکه می‌پیوندند. و زبیده همسر هارون الرشید در طول آن مخازن آب و کاروانسراهایی ایجاد کرده است. توجه ویژه و اولویت خاصی برای نگهداری و تقویت سرزمین‌های باستانی و آثار محکوم به فنا، توسط گسترش سریع نواحی شهری، مبذول گردید.

با وجود این، علی‌رغم کوشش‌هایی که در این ده ساله اخیر انجام گرفت، اختلاف میان شناساندن این آثار به جهانیان و آنچه که در مورد کشورهای همجوار، مصر، سوریه، عراق و ایران انجام گرفته است، بسیار زیاد بود و نمی‌شد خلاء میان آنها پر کرد. این کشورها سرزمین‌های برگزیده شده برای باستان شناسان و کاوشگران بودند و در آنها گروههای بسیار زیاد بیگانه و ملی (خودی) بیش از یک سده بود که به کاوش مشغول بودند. هنگامی که در ۱۹۱۰، دوکشیش ژوسن و ساوینیاک کورستان بزرگ شبرینطی «مداین الصالح (۲)» را به غربی‌ها شناساندند، سایر شهرهای خاورمیانه و هم سنگ مداین الصالح مانند «تب»،





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«پالمیر»، «پترا» و غیره بیش از یک سده بود که شناسانده شده بودند. بررسی عمیق، هرچند که هنوز ناتمام است، از چند صد سرزمین فهرست برداری شده و جمع‌آوری یک مصالح کاوشگرانه و کتیبه نگارانه بسیار با اهمیت، از هم اکنون اجازه داده است که تاریخ باستانی شبه جزیره بهتر شناخته شود و مراحل بزرگ گاه شناسانه آن با دقت تعیین گردد. اینهاروشنایی‌ها و صراحت و دقت‌های تازه‌ای بر تاریخ تمدن‌های بزرگ همسایه آورده‌اند و بازهم بیشتر، طی سالهای آینده خواهند آورد.

این دو کرانه بیابانهای بزرگ تیفود (تیفوز) در شمال و «ربع الخالی» در جنوب است که به طرزی شگفت و باورنکردنی، نخستین آثار

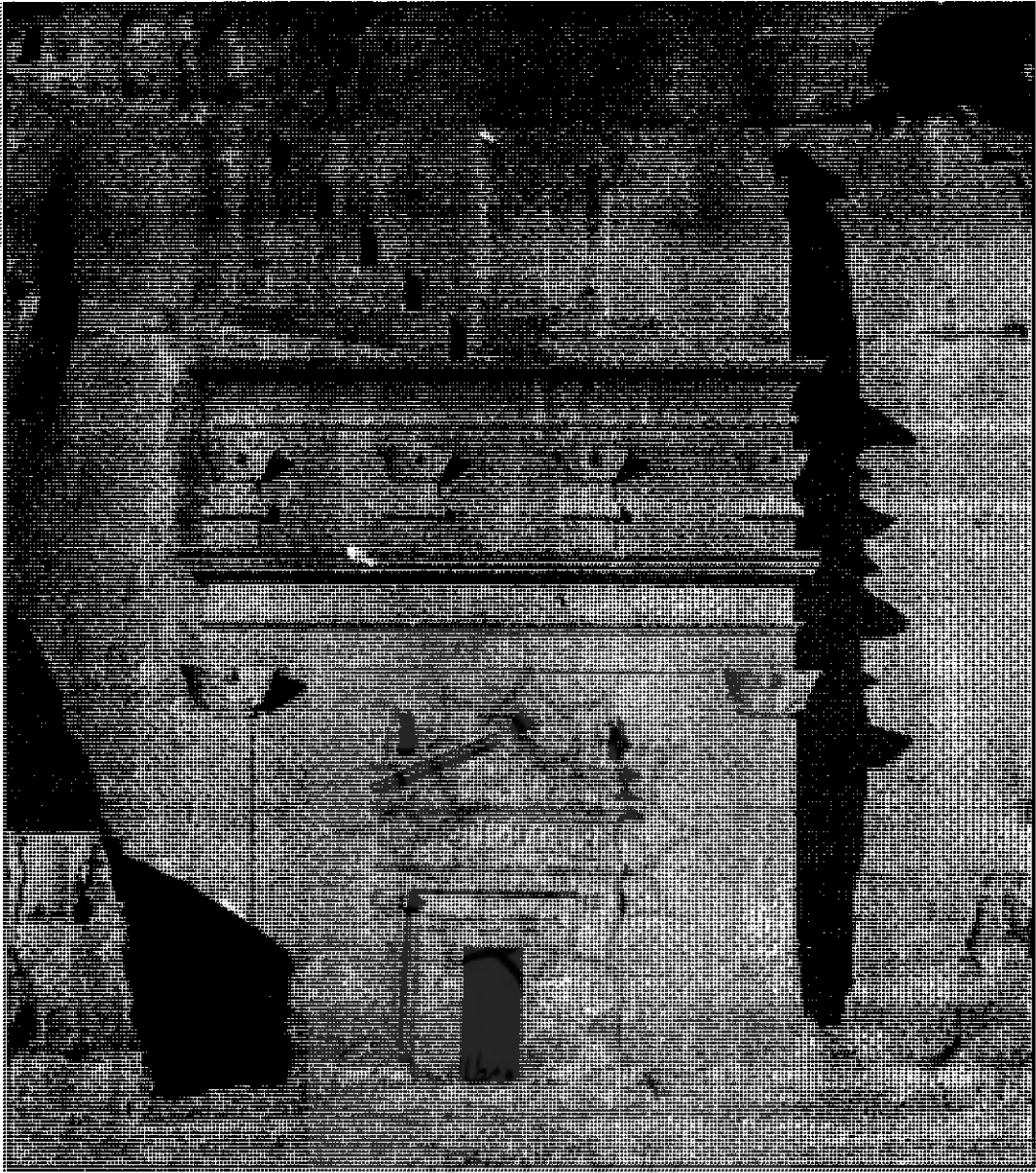
حضور انسانی از عصر حجر (حدود ۱۵۰/۰۰۰ هزار سال پیش از مسیح (ع)) دیده می‌شود (۳). نخستین مجموعه‌های مسکونی یا نیمه مسکونی که از نظر اقتصادی بر رام کردن حیوانات استوار بوده است، در نواحی شرقی و مرکزی، در دوران میان سنگی (حداصل پارینه‌سنگی و نوسنگی) و حدود ۹۰۰۰ سال پیش از مسیح به وجود آمده‌اند.

کنده‌گری‌های تقریباً خشن و ابتدایی از هزاره هشتم تا هزاره پنجم پیش از مسیح که گاهی انسان‌ها و گاهی حیوانات اهلی از گونه اغنام (گاو، گوسفند، بز، غزال و غیره) و یا از گونه اسبها (اسب، الاغ، قاطر، گورخر و غیره) را نشان می‌دهند، به تعداد زیادی در نواحی مرکزی - شمالی و جنوب غربی کشف

شده‌اند. نخستین آثار سفالین در نواحی نزدیک‌تر به خلیج فارس یافت شده‌اند که به تهران «العبيد» در بین‌النهرین پست (نزدیک خلیج فارس) حدفاصل ۵۰۰۰ تا ۳۵۰۰ سال پیش از مسیح مربوط می‌شوند. از سوی دیگر، طی همین دوران هیچ یک از نواحی شبه جزیره از نفوذ تمدن‌های همجوار بر کنار نمانده‌اند. مشرق جذب مدار تمدن بین‌النهرین شده، شمال و شمال شرقی در مدار فلسطین و لوان، مغرب در مدار دره رود نیل از فراسوی دریای سرخ و صحرای سینا جذب شده است.

با پیشرفت اقتصاد بین‌المللی میان بین‌النهرین، ایران شمال - غربی و دره سند (هندوس)، تنه تمدن دقیقاً شهرنشینی طی هزاره سوم در طول سواحل خلیج فارس به وجود آمد. برخلاف، برای نواحی مرکزی و شمالی، بایستی منتظر میانه‌های هزاره دوم شد که روی دامنه‌های کوه‌های پست حجاز شهرهای تقویت شده‌یی مانند ددان (الاولی معاصر)، خیبر، الجوف (دو ماه تورات) و قرایه، آشکار شود که در آنجا ردهایی از کهن‌ترین نظام شبکه آبیاری شناخته شده در عربستان کشف شده است. در همین عصر است که تمدن جنوب شبه جزیره شکل می‌گیرد و بعدتر نفوذ آن در تمام سرزمین غربی، تا حدود فلسطین احساس می‌شود. در هزاره نخست، همزمان که نفوذ تمدن‌های بزرگ اطراف شبه جزیره، تشدید می‌گردد، در درون شبه جزیره نخستین واحدهای حکومتی معتبر به خودمی‌آید. در همین زمان به گواهی متن‌های متعدد پیدا شده در بین‌النهرین، مردم چادر نشین و کوچا (آرامی‌ها، کلدانی‌ها، عرب‌ها و غیره) با روی آوردن به سوی سرزمین‌های بزرگ و بارور بین‌النهرین با مردم اسکان یافته و ساکن بومی در ستیز و جنگ درمی‌آیند. در هر صورت در سده هشتم (پیش از مسیح) است که نوشته‌های آشوری از پیکار با (عربی = عربی = عربستان) که از «عاد

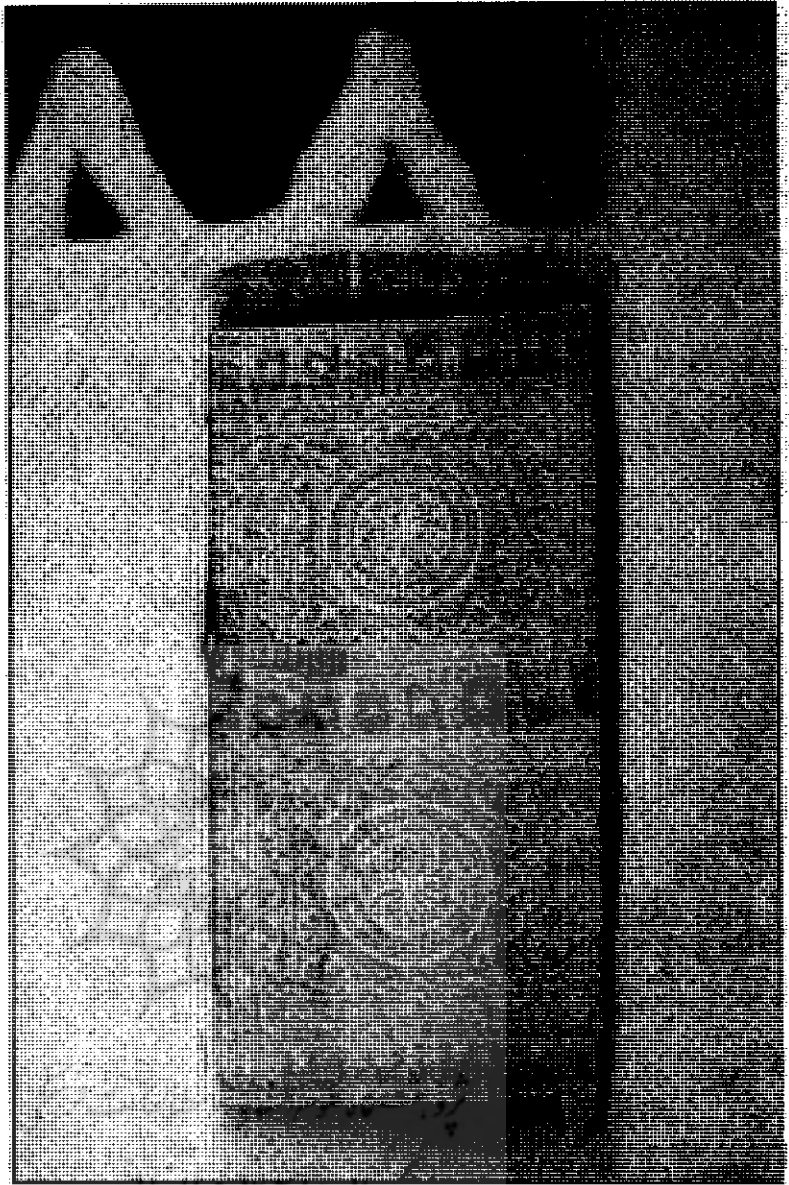




و ماتو (۴) یعنی الجوف آمده بودند، سخن می گوید. سرزمین های شرقی همسایه خلیج فارس، که همیشه در مدار تمدن بین النهرین قرار داشتند از سده نهم تا دوم به یافتن پیوندهایی بسیار باریک با تمدن های دجله و فرات: آشوری ها، بابلی ها، هخامنشیان و اشکانیان، می پردازند. در دوران سلوکی ها، جانشین های اسکندر بزرگ، جهت یابی های تازه و جدید تجاری یک جهش فعال شهری پیدا می کند.

در عربستان مرکزی و شمالی، نخستین هزاره با گسترش سریع شهرهای قلعه یی و

پشتیبانی شده که در هزاره پیشین به وجود آمده بودند. مشخص و متمایز می گردد و این شهرها از هم اکنون در ارتباطهای تجاری و فرهنگی با عربستان جنوبی، چه با بین النهرین و با لبنان در می آیند. در شمال، الجوف یک گسترش و پیشرفت سریع حاصل می کند و موفق می شود، در میانه های هزاره، شمال و جنوب عربستان را در بازرسی خود درآورد و نخستین پادشاهی عربی را در تاریخ به وجود آورد. در فلات سجد، پادشاهی معاصر کننده، که پایتخت آن احتمالاً، شهر تجاری القاو بود، به مثابه نخستین دولت حقیقی در درون شبه



● بررسی عمیق،
هرچند که
هنوز ناتمام است،
اجازه داده است
که
تاریخ باستانی
شبه جزیره
بهتر
شناخته شود.

و تبیین نشده است. اینچنین پادشاهی ددان، که هنوز با صراحت و دقت نه نواحی استقرار آن و نه برتریت و قدرت آن شناخته نشده است، در سده ششم پیش از مسیح (ع) یک دولت نیرومند بود که چندین بار در کتاب مقدس از آن نام برده شده است. به دنبال این دولت «عصرهای» دیگری چون لیانی ها و نمودی (۵) های کاملاً متفاوت با کتیبه های خشن و بدوی آمدند. پایتخت خیبر که در همسایگی «الاولی» (العولا) ی کنونی قرار داشت، یک مرکز بزرگ مذهبی و تجاری بود و از یک فناوری شبکه بندی آب رسانی در حد بالایی متحول شده، برخوردار

جزیره آشکار می شود. لیکن نخستین تحول های شایان توجه و معتبرنخستین هزاره در شمال - غرب، که به نام سرزمین «مدین» شناخته شده بود، ایجاد شد که مراکز شهری دامنه های شرقی حجاز می باشند و به صورت شهرهای مهم تجاری درآمدند، هم اکنون به سازمانهای متعدد بندری که میان جده امروزی در جنوب و خلیج عقبه در شمال قرار داشتند، وابسته بودند. طی نیمه نخستین هزاره، چندین اقدام به یک یکپارچگی و وحدت این شهرها به تشکیل «دولت های» منتهی شد که پیامدهای تاریخی آن هنوز تدوین



● کنده گری های
تقریباً
خشن و ابتدایی
که گاهی انسان ها
و گاهی
حیوانات اهلی را
نشان می دهند،
به تعداد زیادی
در نواحی
مرکزی - شمالی
و جنوب غربی
کشف شده اند.

پیش از مسیح (ع) است که این شهر به نهایت شهرت خود می رسد. این پادشاه نیرومند شهر و باروی آن را بزرگتر کرد و طی ده سال اقامت در آن چندین بنا، از جمله چند کاخ و معبد، برافراشت. اینچنین تایما (طایمه) تا سال ۵۴۴ پایتخت امپراتوری بابل - نو بود، تاریخی که مجبور شد باشتاب به رویارویی پارسیان هخامنشی بپردازد، در این زمان نبونید به بابل بازگشت.

طی آخرین سده های هزاره اول، سرزمین «مدین (۶)» تسلیم قدرت نبطی ها شد که تسلط آنها بازم از بازرسی راه های تجاری به وجود

بود، که قدرت و برتریت خود را از این به دست آورده بود که در محل برخورد دو جاده تجاری اصلی قرار داشت. سپس می بایستی پس از آن یک جامعه مهم یهودی را در خود پناه دهد و یک نقش مهم را در نخستین دوره های شکوفایی اسلام بازی کند.

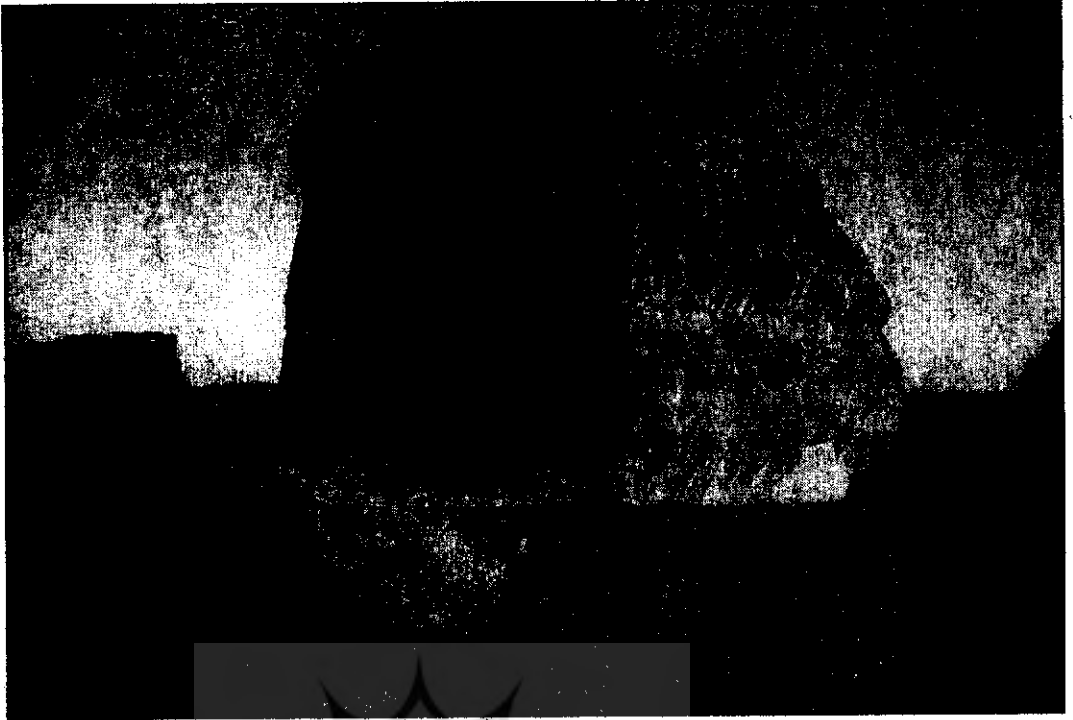
مشهورترین شهرهای شمال غربی که اغلب در اسناد باستانی از آنها یاد شده است، شهر تایما (طایمه) بود. در سده هشتم پیش از مسیح (ع) این شهر در مبارزه علیه آشور مهاجم، به طور فعالی شرکت جست. لیکن در زمان آمدن نبونید بابلی، آخرین پادشاه بابل، در سده ششم



آمده بود، که در آن زمان گسترش وسیع آن، در شمال تا دمشق، در جنوب تا مدین الصالح و در مشرق تا الجوف کشیده شده بود. پادشاهی نبطی ها، قربانی تغییر مسیر تجاری راهها به سوی اسکندریه و پالمیر شد که در پی فتوحات امپراتور تراژان، در آغاز سده دوم پیش از مسیح، به افول گرایید. از میان رفتن و ناپدید شدن آن به نخستین دوره «دولتهای مستقل عربی پایان داد و یک عصر آشفته یی ایجاد شد که با دشمنی و پیکار مدام و پیوسته میان امپراتوری رومی - بیزانسی و شاهنشاهی ایرانی متمایز شده بود که یکی از دلایل درگیری هایشان بازرسی و تحت سلطه گرفتن این نواحی بود و همین امر عربستان را به یک زوال تجاری و یک تنزل شهرنشینی کشانید. دولت اسلامی که در مدینه در آغاز سده هفتم مسیحی به وجود آمد، نخستین وحدت سیاسی مجموعه شبه جزیره را واقعیت بخشید. پس از گذراندن نخستین دوره استحکام و پایگیری خود، دولت اسلامی مدینه، کانون گسترش یک دین جدید و یک امپراتوری بزرگ شد که تاکنون نظیر آن در جهان دیده نشده است. اکتشافات باستان شناسانه مربوط به این دوره، اندیشه به غلط گسترش داده ای را که تاریخ نویسان این امپراتوری بزرگ ایجاد

پی نوشت ها:

۱- این دو کشیش با مأموریت نزدیدن بدن مبارک حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله وسلم، برای یکی از موزه های بزرگ اروپا، وارد عربستان شدند. اسلام آوردند و بر بیرون از مدینه به عبادت و شب زنده داری مشغول گشتند. تا روزی که شریف مکه (پدر بزرگ ملک عبدالله هاشمی پادشاه اردن) پیامبر (ص) را در خواب دید که به او فرمان دادند: بدن ایشان را از دستبرد آن چشم آبی ها، حفظ کند. شریف مکه به خواب خود توجه نکرد



و چون خوابش چندین بار تکرار شد یا سپاهی به سوی مدینه متوجه روی آورد و در مورد چشم آبی ها به تفحص پرداخت. معلوم شد که آنان اسلام آورده اند و در خانه خود، بیرون از مدینه، به عبادت مشغولند. پس از اشغال خانه آنها و دستگیریشان آشکار گردید که چشم آبی ها به سوی مراد مطهر و مبارک حضرت رسول (ص) نلب زده اند تا بدن مبارک را از آن طریق بریابند. آنها ضمن محاکمه خود به این امر اعتراف کردند و سپس محکوم و به قتل رسیدند. (از یادداشت‌های مرحوم آیت اله حاج شیخ محمدجواد آیت اللهی، به نقل از مرحوم آیت اله العظمی، حاج میرزا عبدالباقی آیت اللهی که از مراجع تقلید اواخر دوران قاجار و عهد رضاخان بودند). مترجم.

۲- مداین الصالح، که نویسنده مقاله آنرا شهری نیطی خوانده است، شهر قوم نامود بود که خداوند حضرت صالح علیه السلام را به پیامبری آنان مبعوث فرمود و داستان آن به کمال در قرآن آمده است. چون شهر بزرگی بود، عربها آنرا «مداین» خوانده اند. همانند تیسفون که به مداین شهرت یافت. حضرت صالح علیه السلام و قودش پیش از حضرت ابراهیم علیه السلام در عربستان زندگی کرده و مبعوث بودند. تاریخ زنی های این مقاله به شیوه محققان غربی است که می خواهند تمدن شرق نزدیک را چندان درست جلوه ندهند و پیامبران قرآنی و داستانهای قرآن را ناپسندیده می گیرند. در فاصله طوفان نوح علیه السلام و حضرت ابراهیم، دو پیامبر بزرگ مبعوث شدند که اقوامشان به عذاب الهی گرفتار آمدند. آنها قوم «عاد نخستین» یا پیامبری حضرت هود علیه السلام بودند و سپس «عاد دوم» یا «ثمودیان» به پیامبری حضرت صالح علیه السلام (از کتاب «هج البیت» تألیف حضرت آیت الله حاج شیخ محمدجواد آیت اللهی، چاپ قم، مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، بدون تاریخ).

۳- این تاریخ گواه بر صحت احادیثی است که در مورد بنای خانه کعبه آمده است که بوسیله نخستین انسان هوشمند و مخلیقه الله، حضرت آدم علیه السلام برپا گردید و نص صریح قرآن که «اولین خانه یی که برای مردم برقرار گردید در مکه مبارکه» بود.

۴- «ماتو» همان است که اکنون حضرموت نامیده می شود. قوم

عاد بر روایات اهل بیت علیهم السلام، نخستین امتی بودند که پس از حضرت نوح علیه السلام بر منطقه «هلال باروره» مستقر شدند و آنان ساکنان احطاف، «دهناه، بیرین، یمامه، یمن و حضرموت» بودند. آنان چون به حضرت هود علیه السلام ایمان نیاورند خداوند هفت سال باران از ایشان گرفت و به قحط و خشکسالی شدید دچار شدند. جمعی از بزرگان خود را (که لقمان اکبر و مرثدبن غفیر که در باطن به حضرت هود ایمان آورده ولی تالیه می کردند، و قیل بن غفر و یقیم بن هنرال و جبله بن غفیری بودند) به سوی محل خانه کعبه گسیل داشتند تا بر فراز تل سرخی که پایه های کعبه بر آن بود و مکه نام داشت مراسم قربانی و کوشش به جای آورند و از خداوند هود (ع) باران بخواهند (از کتاب حج البیت چاپ قم بدون تاریخ، از حضرت آیه الله حاج شیخ محمدجواد آیت اللهی).

۵- ثمودیان پس از قوم عاد در عربستان مستقر شدند. میان لقمان اکبر که از بزرگان عاد بود و همراه عادیان به مکه برای باران خواستن رفت و لقمان حکیم که در قرآن از آن نام برده شد هزار و سیصد و هفتاد سال (به نص روایات اهل بیت علیهم السلام) فاصله زمانی است. او یا سرشد در مکه ساکن شدند ولی از خداوند عمر هفت کرکس مطالبه کرد و دعایش، به خاطر ایمانش، برآورده شد و به همین دلیل او را صاحب النور نامیدند. او سپس به قارب که شهر زیبا بود رفت و سد مارپ را او ساخت. او از بزرگترین معمرین جهان است. اگر تاریخ ظهور حضرت ابراهیم علیه السلام را بر اساس داده های غربی یک هزار و هشتصد و پنجاه سال پیش از مسیح علیه السلام بپذیریم، قوم ثمودیاستی حدود بیش از هزار سال پیش از حضرت ابراهیم (ع) بوده باشد و پیش از قوم عاد اول چند نسل پس از حضرت نوح زندگی می کردند. می بینیم که تاریخ تدوینی این مقاله برای ثمودیان نادرست است. ح. ۱.

۶- «مدین» شهری است که شعیب علیه السلام که از نسل حضرت اسماعیل علیه السلام بود بر آنان مبعوث گردید. آنان به تقلب بر تجارت و کم فروشی ها شهرت و عانت داشتند و به همین دلیل نیز بود که مورد عذاب الهی قرار گرفتند. به تفاسیر قرآنی مراجعه شود. ح. ۱.